

## اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق کیفری ایران

مهدی رضایی مقدم

دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

اصل صلاحیت شخصی، یکی از مهم‌ترین اصول صلاحیت فرا سرزمینی است که کشور متبوع مجرم یا مجنی علیه با تکیه بر عنصر تابعیت برای خود حق رسیدگی به جرائم واقع در خارج از کشور را قائل می‌باشد. در حقوق کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات سال ۱۳۹۲ تنها اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجرم، آنهم بدون توجه به برخی اصول مهم حقوق جزای بین‌الملل پذیرفته شده بود. خوشبختانه با تصویب قانون سال ۱۳۹۲، گامهای بزرگی در زمینه تطبیق اصل صلاحیت شخصی با اصول پذیرفته شده در حقوق جزای بین‌الملل برداشته شد. از جمله این تحولات؛ می‌توان به پذیرش منع محاکمه‌ی مجدد و صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه اشاره کرد. با این وجود، در این قانون نیز شاهد کاستیهایی از جمله عدم پذیرش قاعده‌ی منع محاکمه مجدد در جرائم شرعی می‌باشیم که علت آن، اجتناب قانون‌گذار از مخالفت با اصول و موازین اسلامی است. در حالیکه در این نوشتار بصورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی پس از تبیین نقاط ضعف و قدرت قانون مجازات سال ۱۳۹۲ با توجه به اسناد بین‌المللی، به تشریح مقررات جدید در خصوص صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اصل صلاحیت شخصی، تابعیت مجنی علیه، قانون مجازات اسلامی، محاکمه مجدد

## ۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های عمده قوانین کیفری، درون مرزی بودن آن است. اما این امر بمعنای عدم صلاحیت دادگاههای یک کشور برای رسیدگی به برخی از جرائم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور نیست. کشورهای مختلف در مواردی که جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت آنها، توسط یا علیه اتباع آنها باشد، یا علیه منافع اساسی و حیاتی آنها بوده یا از جرائم بین‌المللی بشمار آید؛ خود را واجد صلاحیت کیفری می‌دانند. اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه همواره نقد و واکاوی حقوق دانان کیفری و بین‌المللی را برانگیخته است. موافقان و مخالفان پذیرش این صلاحیت هریک دلایل ادعای خویش را مطرح نموده‌اند، اما عمده‌ترین مبنای این صلاحیت که همانا «حمایت از اتباع» و عبارت کلی‌تر «حمایت از منافع خدشه‌دار شده‌ی دولت» می‌باشد، بسیاری از کشورها را مجاب کرده است تا صلاحیت مزبور را بپذیرند. ازسوی دیگر، پذیرش این صلاحیت جنبه‌ی ارعابی و بازدارندگی دارد و می‌تواند از وقوع بسیاری از جرایم علیه اتباع دولت پیشگیری نماید.

رویکرد حقوق ایران در قریب به یک قرن قانون‌گذاری، نپذیرفتن این نوع صلاحیت جز در مواردی استثنایی بوده است. اما مقتن ایرانی در ماده‌ی ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه را پذیرفت و باین ترتیب، بعد از نزدیک به یکصد سال عدم حمایت کیفری از اتباع ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی، صلاحیت مزبور را در حقوق جزای ایران مطرح کرد. بنابراین دستگاه قضایی ایران از این پس نه تنها «حق» بلکه «وظیفه» دارد که از بزه‌دیدگان ایرانی در خارج از کشور حمایت کیفری نماید. بدین ترتیب، قانون‌گذار با پیش‌بینی ماده‌ی ۸ در قانون جدید مجازات اسلامی، افزون بر «حمایت سیاسی» از اتباع که وظیفه‌ی دستگاه دیپلماسی (وزارت امور خارجه) ایران است، «حمایت کیفری» از آنها را نیز در صورت بزه دیده واقع شدن در خارج از کشور، تکلیف دستگاه قضایی ایران شمرده است. البته باید اطمینان یافت که این حمایت در جهت مثبت آن انجام گیرد و صرفاً موجب افزایش بی‌دلیل حجم پرونده‌ها در محاکم ایران نشود. در این زمینه، دقت کافی به اصل «منع محاکمه و مجازات مضاعف»، بسیار ضروری است.

## بیان مساله تحقیق

اصل صلاحیت مبنی بر تابعیت مجنی علیه یکی از اصول صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمروی حاکمیت است که همانند اصل صلاحیت شخصی بنای آن بر رابطه تابعیت استوار است. در تعریف این اصل میتوان گفت که گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرائمی که در خارج از قلمروی حاکمیت آن کشور، علیه اتباع آن کشور ارتکاب می‌یابد.

ارتکاب جرم علیه اتباع یک کشور هم می‌تواند توسط اتباع دیگر آن کشور اتفاق افتد و هم می‌تواند توسط بیگانگان صورت پذیرد. در صورت اول اصل قابل اعمال می‌تواند اصل صلاحیت شخصی هم باشد اما کشورهایی که اصل صلاحیت مبتنی بر مجنی علیه را پذیرفته‌اند اصل قابل اعمال را همین اصل می‌دانند. چراکه حمایت یک کشور از اتباع زیان‌دیده‌اش ضروریت‌تر است تا دفاع از اتباع بزه‌کارش. بعلاوه در مقایسه با اصل صلاحیت شخصی، اصل مبتنی بر صلاحیت مجنی علیه، مستلزم اجرای احکام و مقررات شدیدتری نسبت به متهم است. مثلاً در حقوق فرانسه "مجرمیت متقابل" برای اعمال اصل صلاحیت شخصی وجود دارد. اما این شرط در اصل مبتنی بر تابعیت مجنی علیه وجود ندارد. اما کشورهایی که این اصل را نپذیرفته‌اند، مانند مصر، سوریه و لبنان و ایران، اصل قابل اعمال همان اصل صلاحیت شخصی است و اساساً این کشورها بدلیل فقدان اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، بحث از اعمال این یا آن منتفی است.

رویکرد حقوق ایران در قریب به یک قرن قانون‌گذاری، نپذیرفتن این نوع صلاحیت جز در مواردی استثنایی است. اما مقنن ایرانی در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه را پذیرفت و باین ترتیب بعد از یک صد سال عدم حمایت کیفری از اتباع ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی، صلاحیت مزبور را در حقوق جزای ایران مطرح کرد.

### سؤالات تحقیق

۱- حقوق ایران نسبت به صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه قبل و بعد از قانون مجازات اسلامی به چه صورتی می‌باشد؟

۲- آیا اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، واجد همان منافعی که سایر اصول صلاحیت دارند، هست؟

### فرضیه‌های تحقیق

۱- بنظر می‌رسد حقوق ایران نسبت به صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه ق بعد از قانون جدید مجازات اسلامی دارای وضعیت بهتری است.

۲- می‌توان اعمال این اصل توسط دادگاه‌های دولت اسلامی را منوط بحصول شرایطی از جمله مهم بودن جرم ارتكابی، مجرمیت متقابل و عدم رسیدگی قبلی کرد.

۳- اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، واجد همان منافعی که سایر اصول صلاحیت دارند، نیست.

### تعریف مبانی نظری:

#### تعریف صلاحیت و انواع آن:

یکی از مباحث مهم و اساسی در حقوق جزای بین‌الملل که از دیرباز سبب تعلق این رشته به حقوق جزای داخلی بوده بحث تعیین قلمرو مکانی کیفر و اعمال صلاحیت است.

صلاحیت در لغت بمعنای شایستگی و در اصطلاح به «اختیار و استحقاق در امری که قانون معین کرده»<sup>۱</sup> بکار برده می‌شود.

این درحالیست که صلاحیت در حقوق کیفری به شایستگی و اختیار یک مرجع قضایی در رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد موضوعی جزایی که به آن ارجاع شده، با اعمال قانونی که صلاحیت تعیین سرنوشت موضوع را دارد، گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

صلاحیت کیفری زمانی در حقوق جزای بین‌الملل مطرح می‌شود که حداقل یک عنصر خارجی مانند محل وقوع جرم، تابعیت مرتکب یا مجنی علیه و یا منافع مورد تهدید در جرم موضوع صلاحیت، وجود داشته باشد.

تعریف مناسبی برای اصطلاح صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل «شایستگی قابلیت اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی که در داخل یا خارج از آن کشور ارتکاب می‌یابد»<sup>۲</sup>

### گفتار اول-انواع صلاحیت از نظر مقام اعمال کننده

ما درجهانی زندگی می‌کنیم که به واحدهای سرزمینی مجزایی تقسیم شده که هریک هشیارانه از استقلال و حاکمیت خود محافظت می‌نماید.

از آنجاکه هر نظام جزایی نمایانگر حاکمیت<sup>۴</sup> آن دولت است بنابراین می‌تواند آزادانه و بدون درنظر گرفتن سایر دول در حدود قلمرو خود به وضع قانون مبادرت ورزیده و هر اقدامی را که برای ایجاد آرامش و امنیت مقتضی می‌داند، بکار گیرند.

ازسوی دیگر بر مبنای اصل تساوی دول، هر دولتی مکلف است که حق مشابه دول دیگر را به رسمیت شناخته و از دخالت در امور داخلی آن‌ها بپرهیزد و حدود صلاحیت محاکم کشور خود را محدود به قلمرو مملکت خویش نماید. در حقیقت هر نظام جزایی قلمرویی دارد که خارج از آن قلمرو، کشور فاقد هرگونه اقدام اجرایی است.

برای محاکمه‌ی هر متهمی، وجود صلاحیت کیفری ضروری است در حقوق جزای بین‌الملل معمولاً در یک تقسیم‌بندی کلی صلاحیت را به سه دسته‌ی عمده تقنینی، قضایی و اجرایی تقسیم می‌کنند.

### بند اول-صلاحیت تقنینی<sup>۵</sup>

در صلاحیت تقنینی از دامنه‌ی اجرایی قانون جزا در مکان بحث می‌شود درحقیقت به بررسی محدوده‌ی اختیار قانون‌گذاری مقنن می‌پردازد و در پی رسیدن به پاسخ این سؤال است که آیا می‌توان محدوده قانون‌گذاری را به خارج از قلمرو حاکمیت خود هم توسعه داد؟

### بند دوم-صلاحیت قضایی<sup>۶</sup>

گرچه صلاحیت قضایی در مفهوم کلی عبارت از داشتن شرایط لازم و کافی قانونی برای تحقیق، محاکمه و صدور رأی قضایی است ولی الزاماً محدود به قلمرو حاکمیت وی نیست بلکه ممکن است محاکم ایرانی به بررسی جرمی که در خارج واقع شده

۱. پوریافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، تهران انتشارات جنگل چاپ ششم، ۱۳۹۰، ص ۹.

۲. منظور از حاکمیت، عدم وابستگی یک دولت به دیگر دول و داشتن اختیار مطلق در سرزمین خود است به گونه‌ای که برای اداره‌ی امور خود از هیچ قدرت خارجی دیگری تبعیت نکند.

1. Competence Legislative

2. Competence jurisdiction

ولی طبق قانون در صلاحیت دادگاه‌های کشور است نیز بپردازد.<sup>۷</sup> باین وجود صلاحیت قضایی در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل از اختیار و شایستگی دادگاه‌های یک کشور خاص برای رسیدگی به دعاوی که یک عنصر خارجی در آن وجود دارد، بحث می‌شود.<sup>۸</sup> بنابراین صلاحیت قضایی به قدرت دادگاه‌های یک کشور خاص برای محاکمه دعاوی که در آن عوامل خارجی حضور دارند، مربوط است.

### بند سوم- صلاحیت اجرایی<sup>۹</sup>

صلاحیت اجرایی به شایستگی یک دولت جهت اقدام در داخل مرزهای یک دولت مربوط می‌شود. از آنجاکه دولت‌ها مستقل از یکدیگر بوده و هر کدام به قلمرو خود حاکمیت دارند، لذا مأموران یک دولت قادر نیستند وظایف خود را در دول دیگر (در صورت عدم رضایت صریح دولت میزبان) انجام دهند و همچنین نمی‌توانند قوانین کشور خود را در سرزمینی دیگر اجرا نمایند.

در حقیقت اجرای قوانین جزایی در مورد اعمال اتباعی که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند مخالف حاکمیت دولت خارجی نیست زیرا پلیس یک کشور در داخل کشور خود، مجرم را تعقیب و محاکمه می‌کنند که این مهم وقتی محقق است که دولت خارجی با استرداد مجرم باین امر موافقت کند.<sup>۱۰</sup>

باید توجه داشت که ممنوعیت اجرای احکام جزایی خارجی مانع از اعمال قوانین جزایی یک کشور نسبت به جرایمی که در خارج از قلمرو آن کشور ارتکاب می‌یابد نیست زیرا آنچه در حقوق جزای بین‌الملل مطرح است اعمال بالقوه‌ی حاکمیت می‌باشد.

خوشبختانه در دهه‌های اخیر شاهد تغییر مثبت در رابطه با اعتبار بخشی به احکام خارجی هستیم و در بسیاری از کشورها از جمله کشور ایران موافقت نامه‌هایی مبنی بر اجرای احکام خارجی امضاء شده است.

همچنین از دیگر مواردی که قانون جزای کشورهای دیگر معتبر شناخته می‌شود هنگامی است که تبعه‌ی یک کشور در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب عملی شود که در کشور متبوع خود جرم است ولی در کشور محل وقوع، جرم محسوب نمی‌شود. در اینجا مرتکب بر اساس «اصل مجرمیت متقابل» در کشور متبوع خود محاکمه و مجازات نخواهد شد.

۳. نوروزی فیروز، رحمت الله، آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت‌ها، تهران، انتشارات میزان چاپ اول، (۱۳۸۷)، ص ۳۳.

۴. میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر چاپ اول، (۱۳۸۳)، ص ۶۰.

## 5. Competence Executive

۱. باهری، محمد، علی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی جلد ۲ تهران انتشارات مجد، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹.

### بند چهارم- پیوستگی صلاحیت تقنینی و قضایی

از موارد حائز اهمیت در این مبحث ذکر این نکته می‌باشد که صلاحیت قضایی به دادگاه‌ها امکان رسیدگی و صلاحیت تقنینی امکان اجرای قوانین وضع شده توسط دولت مزبور را می‌دهد. این دو صلاحیت دو روی یک سکه هستند بنحوی که هریک ملازم دیگری است.

البته هرچند صلاحیت کیفری غیرقابل تفکیک است اما در حقوق جزای بین‌الملل صلاحیت قضایی از صلاحیت تقنینی تبعیت می‌کند<sup>۱۱</sup> این جمله بدین معناست که وقتی دولتی واجد صلاحیت تقنینی در مورد جرایم ارتكابی در داخل یا خارج از قلمرو حاکمیت خود باشد، دادگاه‌های آن کشور هم واجد صلاحیت برای رسیدگی بآن جرایم خواهند بود.

باین ترتیب هر دولتی بدون در نظر گرفتن مصالح و منافع خود و بی‌توجه به قوانین کیفری بیگانه به تعیین قلمرو صلاحیت قوانین و دادگاه‌های خود می‌پردازد.

### گفتار دوم- انواع صلاحیت از نظر قلمرو مکانی

صلاحیت قوانین کیفری از نظر قلمرو مکانی به دو دسته‌ی صلاحیت اعمال قوانین کیفری در داخل قلمرو حاکمیت (اصل صلاحیت سرزمینی) و صلاحیت اعمال قوانین در خارج از قلمرو حاکمیت (اصل صلاحیت فرا سرزمینی) تقسیم می‌شود.

در حقوق جزای بین‌الملل شاهد کاستی اصل صلاحیت سرزمین در راستای نیل به هدف بی‌مجازات ماندن مجرمین هستیم بنابراین کشورها در راستای توسعه‌ی صلاحیت کیفری خود اقدام به تعیین جهانی برای توجیه این اقدام نمودند از جمله این جهات: وقوع جرم در قلمرو سرزمینی آن کشور، تابعیت مرتکب جرم یا قربانی آن و یا ارتباط جرم با نحوی اساسی با منافع حیاتی آن کشور و اگرچه در برخی موارد شاهد مقرراتی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل هستیم که دولت‌ها را از اعمال صلاحیت کیفری نسبت به بعضی از اشخاص منع<sup>۱۲</sup> و یا آن‌ها را به برقراری این صلاحیت نسبت به مرتکبین بعضی از جرایم که در خارج از قلمرو سرزمین رخ داده ملزم می‌نماید<sup>۱۳</sup> اما تمامی این موارد نیازمند وجود حکمی صریح است؛ زیرا اصولاً در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای عام و کلی وجود ندارد که دولت‌ها را از انتخاب اصلی از اصول صلاحیتی و اعمال آن منع نماید. در چنین موقعیتی هر دولتی حق

۱. فرجی‌ها، محمد، امین‌اقایی، جنبه‌های منفی و مثبت اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس سال دوم، شماره ۹، ۱۳۹۱، ص ۳

۲. به عنوان مثال در ماده ۳۱ کنوانسیون وین در رابطه با روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) مأموران دیپلماتیک را به دلیل برخورداری از مصونیت سیاسی، مصون از تعقیب کیفری شناخته است.

۳. برای نمونه

دارد به شرط رعایت اصل «عدم مداخله در امور دیگر کشورها» به تنظیم صلاحیت کیفری خود پردازد و حدود قلمرو اعمال آنرا تعیین نماید.

در تعیین این قلمرو، قانون‌گذار به تعیین قلمرو صلاحیت قوانین و دادگاه‌های خود بسنده می‌کند و بعلت ارتباط مستقیم حاکمیت با حق اعمال مجازات و منع اجرای قانون جزایی خارجی توسط دادگاه ملی شیوهی قانون‌گذار در حقوق جزای بین‌الملل با شیوهی مرسوم در حقوق جزای بین‌الملل خصوصی متفاوت است.

در حقوق جزای بین‌الملل قانون‌گذار در پی تعیین قانون حاکم و حل تعارض صلاحیت نیست بلکه در این رشته قانون‌گذار قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان و قلمرو صلاحیت دادگاه‌های ملی را تعیین می‌کند و به صلاحیت قوانین و دادگاه‌های خارجی نظر ندارد.<sup>۱۴</sup>

اصولاً دولت‌ها براساس چهار مینا به توسعه‌ی صلاحیت خود می‌پردازند که عبارتست از:

الف- توسعه‌ی صلاحیت براساس محل ارتکاب جرم (صلاحیت سرزمینی)

ب- توسعه‌ی صلاحیت نسبت به تابعیت مجرم یا مجنی علیه (صلاحیت شخصی)

ج- توسعه‌ی صلاحیت نسبت به جرایمی که در خارج از کشور و علیه منافع حیاتی و اساسی آن کشور باشد. (صلاحیت واقعی)

د- توسعه صلاحیت نسبت به جرایم بین‌المللی صرف‌نظر از مکان و مرتکب و مجنی علیه (صلاحیت جهانی)

## بند اول- اصول صلاحیت سرزمینی<sup>۱۵</sup>

این اصل مهمترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است و با اصل حاکمیت دولت‌ها سازگار است. به موجب این اصل صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با توجه به محل ارتکاب تمام یا بخشی از آن جرم تعیین می‌گردد. این اصل مورد تأکید دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در دعوی لوتوس<sup>۱۶</sup> قرار گرفته، که آنرا در همه نظام‌های حقوقی از اهمیت اساسی برخوردار دانسته است.<sup>۱۷</sup> اصل صلاحیت سرزمینی را بنوبه خود به دو نوع تقسیم کرده‌اند: اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا

۱. خالقی، علی، جستارهایی از حقوق بین‌الملل، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۷۹

7. Territorial Principle

8. Lotus

۹. همین طور نگاه کنید به پرونده U.S.V Burns در دادگاه عالی کانادا؛ Rivard V. U.S. در یکی از محاکم آمریکا کو Sawonjuk در دادگاه استیناف انگلستان در تأیید این اصل.

موردی<sup>۱۸</sup> و اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی<sup>۱۹</sup>، که گاهی تحت عناوین «نظریه عناصر متشکله<sup>۲۰</sup>» و «نظریه آثار<sup>۲۱</sup>» نیز از این دو اصل نام می‌برند. مطابق اصل اول، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که تمام یا بخشی از آن جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت-اعم از زمینی، دریایی یا هوایی-ارتکاب یافته باشد. مطابق اصل دوم، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که نتیجه یا اثر آن جرم در محدوده قلمرو آن دولت رخ داده باشد.

در حقوق ایران علاوه بر اصل صلاحیت سرزمینی شخصی، که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی بشرح پیش گفته مورد حمایت قرار گرفته است، به اصل صلاحیت سرزمینی عینی نیز در قسمت اخیر ماده ۴ توجه شده است. ماده ۴ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد:

«هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه عینی آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است».

بنظر می‌رسد که محل ارتکاب جرم معاون همان جایی است که وی اقدامات خود را در آن انجام داده است، مگر آنکه بتوان تأثیرپذیری مباشر را از معاون بمنزله نتیجه معاونت دانست و به تبع آن معاونی را که در خارج از ایران اقدامات خود را انجام داده است به همراه مباشری که در ایران مرتکب جرم شده است، براساس ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، در ایران به محاکمه کشید.

## بند دوم- اصول فرا سرزمینی<sup>۲۲</sup>

اعمال اصل صلاحیت‌های فرا سرزمینی از دو مبنا ناشی می‌شود: الف) مبنای اول، مبتنی بر تابعیت و رابطه‌ی عینی است بدین ترتیب که کشور متبوع متهم یا مجنی علیه قوانین کیفری خود را نسبت به آن‌ها در خارج از قلمرو حاکمیت خود هم قابل اعمال می‌داند اگر اتباع آن کشور در خارج از کشور مرتکب جرم شود بر مبنای صلاحیت شخصی و اگر جرم علیه تبعه‌ی خود در خارج از کشور ارتکاب یابد، براساس اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه به تعقیب مرتکبین جرایم می‌پردازد.

ب) مبنای دوم که مبنای موضوعی است براساس ماهیت و شدت جرم ارتکابی کشورها خود را صالح به رسیدگی می‌دانند.

این مبنا منشأ دو نوع از صلاحیت است:

1. Subjective Territorial Principle.
2. Objective Territorial Principle.
3. The constituent elements doctrine.
4. The effect doctrine.
1. Competence extraterritorial



## ۱- اصل صلاحیت واقعی

## ۲- اصل صلاحیت جهانی

در صلاحیت واقعی هر چند جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت ارتكاب یافته اما منافع اساسی و حیاتی آن کشور را بصورت مستقیم مورد لطمه قرار داده است. موضوع اصل صلاحیت جهانی نیز جرایمی است که نظم بین‌المللی را خدشه‌دار کرده است.

آنچه در این مبحث قابل ذکر است توجه باین مطلب می‌باشد که توسعه‌ی صلاحیت قوانین کیفری به خارج از قلمرو حاکمیت کشورها بمعنای مداخله در حاکمیت آن‌ها نیست باین ترتیب که این اصول صلاحیتی در حقوق بین‌المللی نه تنها منع نشده بلکه پذیرفته شده است و این نشان دهنده‌ی عدم نقض حاکمیت دیگر کشورها بوسیله این اصول است.

## الف- اصل صلاحیت شخصی

یکی از راه‌حل‌های تکمیلی جهت رفع نقص صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت شخصی است. موضوع این اصل توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی در جرایم ارتكابی توسط یا علیه تبعه‌ی آن کشور است این توسعه صلاحیت ناقض استقلال کشورها نیست زیرا که اعمال بالقوه‌ی قوانین داخلی در خارج از مرزهای کشور مدنظر است نه اعمال بالفعل آن.

در صورتی که مبنای اصل، مبتنی بر تابعیت مجرم باشد اصل مذکور «تابعیت فعال»<sup>۲۳</sup> و در صورتی که مبتنی بر تابعیت قربانی باشد «تابعیت انفعالی»<sup>۲۴</sup> نامیده می‌شود.

انگیزه‌ی دولت‌ها در محاکمه‌ی اتباع خود در سرزمین کشور دیگر، عدم استرداد آن‌ها می‌باشد.<sup>۲۵</sup> و به تبع آن جلوگیری از بی‌کیفر ماندن کسانی است که خود بازگشته‌اند تا از قاعده‌ی عدم استرداد شهروندان بهره‌مند شوند در این حالت اصل مذکور می‌تواند از خلاء مجازات در اثر عدم استرداد اتباع پیشگیری و شهروندان را به رعایت قوانین و مقررات کشور محل اقامت خود ملزم نماید.

شکل دیگر این صلاحیت، صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه است این صلاحیت بدلیل نیاز به حمایت از اتباع مقیم خارج و فقدان اعتماد به رسیدگی کشورهای خارجی (در جرایمی که از درجه‌ی والایی از اهمیت برخوردارند) قابل اعمال توسط دادگاه‌های ملی مجنی علیه است.

---

2. The personality principle

3. The passive personality principle

۴. کاسسه، آنتوسو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، حسین پیران، زهرا موسوی انتشارات جاودانه (جنگل) چاپ اول، ۱۳۸۷،

## ب- اصل صلاحیت واقعی<sup>۲۶</sup>

گرچه با اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت شخصی، جرایم ارتكابی در داخل قلمرو حاکمیت و خارج از آن (که به وسیله یا علیه اتباع ارتكاب می‌یابد) مورد تعقیب و رسیدگی واقع می‌شود ولی گاه شاهد وقوع آنچنان جرایم مهم و شدیدی توسط بیگانگان یا تبعه‌ی خود کشور در خارج از کشور هستیم که آن جرایم می‌تواند بر استقلال و حاکمیت یک کشور تأثیرگذار باشد و بر همین اساس در حقوق جزای بین‌الملل اصل صلاحیت واقعی پذیرفته شد.<sup>۲۷</sup>

مطابق این اصل دولتی که از جرم ارتكابی در خارج از مرزهای خود متضرر شده، صلاحیت رسیدگی به آن جرم را خواهد داشت. در اعمال این صلاحیت دولت‌ها نه بر اساس محل ارتكاب و یا تابعیت بلکه بر مبنای ماهیت و آثار جرم ارتكابی اعمال صلاحیت می‌کنند. این اصل به علت حمایت از منافع جامعه «اصل حمایتی» نیز نامیده می‌شود. دلیل پذیرش چنین صلاحیتی، بی‌تفاوتی دولت‌ها نسبت به صدماتی است که برخی از جرایم به نظم عمومی دیگر کشورها وارد می‌کنند.

بسیاری از کشورها اصل «منع محاکمه‌ی مجدد» و «مجرمیت متقابل» در رابطه با این جرایم را قبول ندارند و حتی با وجود اجرای مجازات در محل وقوع جرم مجدداً خود به رسیدگی دوباره می‌پردازند؛ زیرا دولت‌ها بر این اعتقاد هستند که وقتی پای منافع و مصالح کشور در میان است تأمین این مصالح حتی بر اصول مسلم حقوقی بین‌المللی نیز برتری دارد.

## ج- صلاحیت جهانی<sup>۲۸</sup>

برخی از جرایم از چنان وخامتی برخوردارند که ارتكاب آن‌ها نه تنها نظم عمومی محل وقوع جرم را بلکه در فراسوی مرزها و جدان جامعه بین‌المللی را جریحه‌دار کرده و خواستار به کیفر رساندن مرتکبین آن جرایم می‌گردند. اصل صلاحیت جهانی بمنظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمین این نوع جرایم پیش‌بینی شده است و هدف از آن اینست که هیچ نقطه‌ای از جهان، مأمنی برای مصون ماندن این مجرمین از تعقیب و مجازات نباشد. بر اساس اصل صلاحیت جهانی، دولت‌ها در مورد جرایم خاصی بدون توجه باین که جرم در قلمرو کدام کشور ارتكاب یافته است و یا مجرم یا قربانی دارای تابعیت کدام دولت‌ها می‌باشند صلاحیت رسیدگی بآن جرم را برای خود محفوظ می‌دانند.

اصل صلاحیت جهانی بر اساس این مفهوم بنا نهاده شده که تمامی دولت‌ها در برابر برخی از جرایم خاص، بعنوان دولت‌های متضرر محسوب شده و بمنظور دفاع از منافع جهانی صلاحیت رسیدگی، محاکمه و مجازات مرتکبین این نوع جرایم را دارا می‌باشند.

### 1. Principle of the protective jurisdiction

۱. حسینی، سید محمد، مقاله حدود و تعزیرات، فصلنامه حقوق دوره ۲۸ شماره ۱، ۱۳۸۷، ص ۹۰.

۳. صالحی فر، سعیده، اعتبار بین‌المللی احکام کیفری قطعی شده و آثار آن با رویکرد حقوقی کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۹۲، ص ۸۷.

### 1. Principle of universal jurisdiction

این نوع صلاحیت برای محاکم ملی ابتدا بصورت عرفی، منحصر به دزدی دریایی بود اما باگذشت زمان این جرایم به دو دسته‌ی جرایم بین‌المللی ذاتی و قراردادی تقسیم شدند.

دسته‌ی دوم جرایمی است که در حقوق کشورها طبق تعهدات قراردادی دولت‌ها و کنوانسیون‌های جهانی منعکس گردید.

صلاحیت جهانی در رسیدگی، محاکمه و مجازات جرایم بین‌المللی دارای دو مفهوم مضیق و وسیع می‌باشد.

در مفهوم مضیق که از آن به صلاحیت جهانی مشروط نیز نام برده می‌شود شرط اعمال صلاحیت جهانی، حضور مجرم به جرایم بین‌المللی در سرزمین آن کشور است.

علاوه بر مفهوم مضیق صلاحیت جهانی، یک برداشت موسعی نیز از این صلاحیت وجود دارد که آنرا صلاحیت مطلق می‌نامند. بر اساس این مفهوم، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمان را بدون توجه باین که جرم مزبور در کدام کشور علیه چه افرادی ارتکاب یافته و همچنین بدون توجه به تابعیت مجرم، صلاحیت رسیدگی و محاکمه وی را حتی زمانی که اودر سرزمین محاکمه کننده حضور نداشته باشد، دارا می‌باشند. صلاحیت مذکور زمانی قابل استناد است که دولت سرزمین محل ارتکاب جرم یا دولت محل حضور متهم و یا دولت متبوع مجرم و قربانی به هردلیلی از محاکمه متهم مزبور خودداری نماید.<sup>۲۹</sup>

### نتیجه گیری:

امروزه باتوجه به دامنه گسترده و نحوه ارتکاب برخی اعمال مجرمانه و ناتوانی اصل صلاحیت سرزمینی در مقابله با این جرایم، اصول صلاحیت فراسرزمینی (صلاحیت شخصی، واقعی و جهانی) در حقوق جزای بین‌الملل مطرح گردید و از آنجاکه این اصول جنبه فرعی و تکمیلی داشتند و در جهت رفع نقص صلاحیت سرزمینی می‌باشند تقریباً مورد پذیرش همه کشورهای دنیا قرار گرفته شد.

بدین علت که اعمال قوانین جزایی از مهم‌ترین جلوه‌های اعمال حاکمیت محسوب می‌شود بنابراین در استفاده از این صلاحیت‌ها بایستی مقید به شروط خاصی از جمله: عدم رسیدگی قبلی، مهم بودن جرم ارتکابی، مجرمیت متقابل بود. اصل صلاحیت شخصی یکی از اقسام سه گانه اصول صلاحیت فرا سرزمینی است. موضوع این صلاحیت که بر مبنای تابعیت استوار می‌باشد توسعه صلاحیت قضایی و تقنینی یک شکرو به جرایم ارتکابی توسط یا علیه اتباع خود در خارج از آن کشور است. بنابراین صلاحیت گاه مبتنی بر تابعیت مجرم و برای حفظ نظم عمومی و ترمیم وجهه مخدوش کشور متبوع مجرم است و گاه مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و در راستای حمایت از اتباع بزه دیده می‌باشد. صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه گرچه بعنوان چالش برانگیزترین اصول صلاحیت فرا سرزمینی همواره مورد انتقاد و واکاوی حقوق دانان کیفری واقع شده ولی در نهایت مبنای عمده این اصل (حمایت از اتباع) و تأثیر غیرمستقیم این صلاحیت بر پیشگیری از وقوع جرایم علیه اتباع دولت، کشورها را مجاب کرد تا صلاحیت مزبور را بپذیرند.

۱. دلخوش، علیرضا، مقابله به جرایم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹

قانون جدید مجازات گرچه گامهای بزرگی در راستای هم سو شدن این صلاحیت با قواعد حقوق جزای بین الملل برداشته ولی بالاین حال هنوز ایرادات و پیشنهاداتی براین قانون وارد است. قانون فعلی همچون قانون سابق شرایطی از جمله حضور متهم در کشور متبوع قربانی، جرم بون عمل در کشور ایران و محل وقوع پذیرفته شده ولی تحول اصلی این قانون پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم تعزیری است.

بموجب قانون با تحقق جرم در ایران، حق مکتسبه‌ای برای قوانین ایران بوجود می‌آید و در صورت خارج شدن مجرم از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران همچنان صلاحیت قوانین ایران پابرجاست.

اصل صلاحیت شخصی از اصولی است که قوانین و دادگاه‌های یک کشور بموجب آن صلاحیت رسیدگی به جرمی را پیدا می‌کنند و دارای جنبه‌هایی است، این اصل مربوط به صلاحیت کیفری دولت نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور توسط اتباع آن است و از جمله جوانب آن صلاحیت درست نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از کشور علیه اتباع خود است.

از جمله برآمدهای پژوهش انجام شده در ارتباط با اصل صلاحیت شخصی مدنظر می‌باشد اینست که متهمی، دو بار بخاطر یک فعل مجرمانه مجازات نگردد که بآن اصل منع محاکمه مضاعف گفته می‌شود بطوریکه باید در مقررات این اصل در جرایم تعزیری رعایت شود. از جمله نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون سابق اینست که در قانون سابق اصل صلاحیت شخصی منفی یا منفعل پیش‌بینی نشده است. بطوریکه شرط محاکمه نمودن متهم، یافت شدن یا اعاده او به ایران است. همچنین باید نسبت باین اصل جرم انگاری متقابل وجود داشته باشد باین صورت که رفتار یا فعل ارتكابی هم در قوانین ایران و هم به موجب قوانین محل وقوع جرم، جرم انگاری شده باشد.

## منابع و مأخذ

### کتاب فارسی

- ۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری جلد ۲ تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ یازدهم
- ۲- آکهرست، مایکل بارتون (۱۳۷۲). کلیات نوین حقوق بین‌الملل، ترجمه سهراب داراب پور، انتشارات جهان معاصر چاپ اول
- ۳- باهری، محمد، علی اکبر خان داور (۱۳۸۴). نگرشی بر حقوق جزای عمومی جلد ۲ تهران انتشارات مجد،
- ۴- پوریافرانی، حسن (۱۳۹۰). حقوق جزای بین‌الملل، تهران انتشارات جنگل چاپ ششم
- ۵- جعفری لنگرود، محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق جلد ۳ تهران انتشارات گنج دانش چاپ اول
- ۶- حسینقلی حسینی نژاد (۱۳۷۳). حقوق کیفری بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- ۷- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۴). حقوق کیفری بین‌المللی اسلامی، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم
- ۸- خالقی، علی (۱۳۸۸). جستارهایی از حقوق بین‌الملل، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش چاپ اول.
- ۹- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۰). مقابله به جرایم بین‌المللی تعهد دولت‌ها به همکاری، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش چاپ اول
- ۱۰- دودابر، دندیو (۱۳۶۸). رساله حقوقی بنایی و قانون‌گذاری جزایی مقایسه، ترجمه علی آزمایش، انتشارات دانشکده حقوق تهران
- ۱۱- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ دوم.
- ۱۲- طهماسبی، جواد (۱۳۸۸). صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل، تهران انتشارات جنگل چاپ اول
- ۱۳- کاسسه، آنتوسو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، حسین پیران، زهرا موسوی انتشارات جاودانه (جنگل) چاپ اول .
- ۱۴- گارورنه (۱۳۴۴). مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق ضیالدین نقابت، جلد ۱ تهران انتشارات ابن سینا، بی جا
- ۱۵- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، جلد ۲، چاپ بیست و ششم

- ۱۶- میرمحمد صادقی (۱۳۹۰). حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات) ویرایش اول چاپ سوم، انتشارات میزان.
- ۱۷- نوروزی فیروز (۱۳۸۷). رحمت الله، آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت‌ها، تهران، انتشارات میزان چاپ اول).
- ۱۸- نیویر، دیوید (۱۳۸۹). نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا، ترجمه حمیدرضا فزالی، تهران انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۱۹- واحدی، قدرت الله (۱۳۸۹). حقوق بین‌الملل کیفری، تهران انتشارات جنگل (جاودانه) چاپ اول.
- ۲۰- ولتر، فرانسوا مایی آروئه دو (۱۳۵۴). منتخب فرهنگی فلسفی تهران، ترجمه نصرالله فلسفی، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب زبان.

#### مقالات

- ۱- حسینی، سید محمد (۱۳۸۷). مقاله حدود و تعزیرات، فصلنامه حقوق دوره ۲۸ شماره ۱.
- ۲- فرجی‌ها، محمد، امین اقای (۱۳۹۱). جنبه‌های منفی و مثبت اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس سال دوم، شماره ۹.
- ۳- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۰). حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات) ویرایش اول چاپ سوم، انتشارات میزان.
- ۴- نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۴). علی حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی، مجموعه مقالات جلد ۲ انتشارات سلسبیل، چاپ اول.

#### پایان‌نامه

- ۱- صالحی فر، سعیده (۱۳۹۲). اعتبار بین‌المللی احکام کیفری قطعی شده و آثار آن با رویکرد حقوقی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پردیس قم

#### منابع لاتین

- 1- B.Heymann&i.h.Gershengorn, 'Pursuing Justice, Respecting The Law' in A.Eset &O. L agodny (eds) Principles and Procedures for a New Transnational Criminal Law (Freiburg:1992) PP.101-147 at P.131.
- 2- Convention on the physical protection of nuclear material 1980 .
- 3- Convention on the prevention and punishment of Crime against International protected person. Including Diplomatic Agents 1973.
- 4- Convention on the prevention and punishment of the Crime of Genocide 1948 .
- 5- Convention on the safety of the wind nations and associated person nel 1994.

- 6-Criminal law convention on the corruption 1999.
- 7-International Convention Against the Taking of hostages 1979.
- 8-Treaty on International penal Law signed at Montevide 1889.